و شهوات و بلیات اوست محترز باشم و از آزمایش حالت ممات که از وسوسهٔ شیطان
در وقت نزع و سکرات که قرب ممات است در امان تو باشم یعنی خاتمت از وی
فاسد نشود و محتمل که مراد از فتنهٔ ممات عذاب قبر باشد چنانچه در صحیح بوده است
حدیث اسماء رضی الله عنها انکم تفتنون فی قبورکم مثل او قریبا من فتنة الدجال و مع هذا تکرار
نیست زیرا که فتنه سبب است و عذاب قبر مسبب و قوله و من شر فتنة المسیح الدجال
عطف خاص است بر عام برای دلالت بر عظمت و قوت این فتنه و رواست که شر
فتنهٔ دجال کنایت از کفر باشد که اعظم فتنهاست در حین حیات و یا ممات و
دجال بعد از خروج دعوی خدائی کند و خوارق عادت بر دست او بطریق استدراج
ظاهر گردد و مردم را گمراه کند و این حدیث و احادیث آینده دال است بر استحباب
تعوذ میان تشهد اخیر و تسلیم و بعضی راویان این حدیث گفته اند بوجوب تعوذ
مذکور برای لفظ قل فلیقل که اصل در امر وجوب است و امر کرده اند فرزند خود را باعادهٔ
صلوة که بی تعوذ خوانده باشند قاضی عیاض گفته است که استعاذهٔ رسول خدا از امور
مذکوره با وجود عصمت برای التزام خوف خدا و افتقار است بسوی او و برای اقتدای
امت است بآنحضرت و برای بیان طریقهٔ دعاست نزد الجلیل اللهم انی اعوذ
بک من عذاب القبر و اعوذ بک من فتنة المسیح الدجال
و اعوذ بک من فتنة المحیا و الممات اللهم انی اعوذ
بک من المأثم و المغرم یعنی در صحیح بخاری و مسلم
و سنن ابو داود و نسائی مرویست از حضرت عائشه رضی الله عنها که رسول خدا
بعد از تشهد این تعوذ میخواند بار خدایا بتحقیق من پناه میجویم بتو از آنچه سبب
عذاب قبر است و یا از عذاب قبر که متنوع است و پناه میجویم بتو از فتنهٔ دجال و

چون

هم چون واو برای مطلق جمع است پس وارد نمیشود بر معنی اخیر که فتنهٔ دجال شامل از
هر موت است قوله اللهم انی اعوذ بک من فتنة المحیا و الممات تعمیم است بعد از تخصیص
و لطف است و نیز غیر مرتب که عذاب قبر داخل فتنهٔ ممات است و فتنهٔ دجال داخل
فتنهٔ حیات در نوادر الاصول مرویست از سفیان ثوری ان المیت اذا
سئل من ربک تراءی له الشیطان فیشیر الی نفسه ای انا ربک و نیز سلف
گفته اند که بعد از وضع میت در قبر مستحب است که بگویند اللهم اعذه من الشیطان
لیکن مخفی نماند که بعد از حسن خاتمت و مردن بر ایمان آیا منظور رسد معبر اضلال
و اغوای شیطان قوله اللهم انی اعوذ بک من المأثم الخ پناه میجویم از گناه یا از آنچه
سبب گناه است و از وام که عاجز باشم در ادای آن و قیل مراد بمغرم خسرانست که لازم
الاداست بسبب جنایتی یا معاملتی مثلا بر هر تقدیر ما نحن اشارت است بحق الله و حقوق
العباد اللهم اغفر لی ما قدمت و ما اخرت و ما
اسررت و ما اعلنت و ما اسرفت و ما انت اعلم به منی انت المقدم
و انت المؤخر لا اله الا انت یعنی در صحیح مسلم و سنن ابو
داود و ترمذی و نسائی مرویست از حضرت علی کرم الله وجهه که خواندی رسول خدا
بعد از تشهد این دعا را بار خدایا بیامرز مرا آنچه را که اقدام نموده ام بر فعل آن از اعمال
سیئه و چیزی که تاخیر نموده ام و ترک کرده ام از اعمال حسنه یا گناهی که پیش فرستاده ام
در حالت حیات و گناهی که پس گذاشته ام بعد از ممات از سنن سیئه که
آثار آنها باقی است و بسبب عمل مردم بآن سنن گناه آن عمل بر من میرسد
و گناهی که پنهان کرده ام و گناهی که آشکارا کرده ام و گناهی که اسراف کرده ام
و از حد اندازه گذشته ام به بسیار ارتکاب معاصی قاصره یا مظالم متعدیه

Copyright © King Saud University